

ابراهیم اشرف پور، کارگردان:

دغدغه‌ام شنیده شدن صدای کارگران بود

در مورد کاراکتر یونس و آنچه از سرش می‌گذرد بگویید.

یونس پسر ی است که دغدغه‌های کودکان خود را دارد و وقتی می‌بیند پدرش گرفتار شده کم‌کم و رفته رفته از خواسته‌های خودش دست می‌کشد و پیگیر کارخانه و مشکل پدرش می‌شود و دادگری می‌کند. ما در سینمای ایران کمتر نمونه‌ای داریم که کودکی برای پدرش و خانواده‌اش ایثار کند، همچون سیاوش که در واقع بعد اسطوره‌های فیلم ما بود چرا که قهرمان داستان ما نیز چون سیاوش، برای حقیقت به دل آتش می‌زند.

در مورد انتخاب بازیگران فیلم که اغلب به نظر ناباب‌تر هستند بگویید.

به نظر من اصطلاح ناباب‌تر یگر چندان درست نیست شاید بهتر باشد این افراد را بازیگران تجربه‌نخست بنامیم. واقعیت امر این است که من تقریباً از بازیگری در این کار استفاده نکردم و اغلب بازیگران این کار کسانی هستند که تجربه کارگری داشتند و از کارشان اخراج شده بودند و این تجربه‌نخستشان در زمینه بازیگری بود. من به این مسئله تاکید داشتم که حتماً از کارگران اخراجی استفاده کنم چون می‌خواستم کارگران تجربه این اتفاق را داشته باشند و فکر می‌کردم اینگونه بهتر می‌توانم حرف‌ها را بزنم. هر چند که یکی از دلایل این انتخاب محدودیت بودجه هم بود. بازیگران کودک و نوجوان کار را نیز از میان بچه‌های با استعداد انتخاب کردیم و چون تجربه‌ای نداشتند همه را آموزش دادیم و با آنها تمرین کردیم تا برای فیلم آماده شوند و همه عوامل جلوی دوربین از بچه‌های هفت تپه، شوش و خوزستان هستند.

در مورد تهیه‌کننده اثر و اهمیت نقش ایشان در پروژه بگویید.

خوشبختانه تهیه‌کننده کار آقای شهسواری توانست برای ما پروانه ساخت بگیرد که واقعاً کاری سخت و امری بسیار مهم برای ما بود. ایشان یک حرف مهم و خوب به من زدند که در این مسیر خیلی به من کمک کرد. ایشان گفتند برو و فیلم خودت را بساز یعنی آنچه که دغدغه‌ات است را نه اینکه فیلمی مثل همه فیلم‌های کودک و نوجوانی که مد شده بود یا در کانون پرورش فکری ساخته می‌شد و برای من جالب بود که تهیه‌کننده می‌دانست من می‌توانم است به سمتی بروم که فیلمم شعاری شود و این چراغ روشنی در راه و مسیرم بود به خصوص که این اثر، فیلم اول من بود و اگر تهیه‌کننده خودش را به من تحمیل می‌کرد ممکن بود من راه دیگری بروم به همین علت خیلی خوشحالم که فیلمی را ساختم که می‌خواستم نه فیلمی که دیگران به من دیکته کرده باشند و فکر می‌کنم که این فیلم ارزش ۵ سال انتظار را داشت.

از حضور در جشنواره‌ها و باز خوردی که گرفتید بگویید؟

این فیلم تاکنون در ۱۵ جشنواره خارجی شرکت کرده هر چند که اتفاقات سال ۱۴۰۱ باعث شد که رویکرد جشنواره‌ها نسبت به فیلم‌های ایرانی بسته‌تر شود به خصوص که فیلم ما پروانه ساخت سینمایی داشت و در ابتدای فیلم نیز کیشن مرکز گسترش می‌خورد با اینحال فیلم توانست از جشنواره المپیا، یونان، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های خانوادگی و کودک روسیه برای فیلمبرداری و از جشنواره ایتالیا برای موسیقی جایزه بگیرد. حتی از چند جشنواره دعوتنامه نیز برای من فرستادند که به صورت رایگان شرکت کنم اما این احتمال وجود داشت که مصاحبه‌هایی انجام و مسائلی مطرح شود که بر خلاف عقاید من باشد و فیلم به حاشیه کشیده شود به همین علت از حضور در جشنواره به صورت شخصی امتناع کردم و فقط فیلم را فرستادم.

در صحنه‌هایی از فیلم شاهد عقرب گرفتن این کودکان هستیم. کاری که به نوعی وسیله‌ای برای امرار معاش آنها می‌شود آیا این صحنه‌ها بر گرفته از رویدادهای حقیقی هستند یا بیشتر مربوط به بعد داستانی فیلم می‌شوند؟

به لحاظ فضای داستانی بخشی از این صحنه‌ها به تخیل ما مربوط می‌شود و تخیلات به صورت بالقوه وجود دارند اما همانگونه که از سطو می‌گوید آنچه که به صورت بالقوه وجود دارد می‌تواند بالفعل شود و بله مناطقی هست که عقرب می‌گیرند و زهرش خرید و فروش می‌شود البته تک تک آن عقرب‌هایی که در فیلم می‌بینید را با دست خودم گرفته بودم.

سخن پایانی

دغدغه من این بود که صدای کارگران شنیده شود و امروز که فیلم به اکران رسیده دوست داریم که برای کارگران نمایش داده شود و یکی از آرزوهایم این است که کارگران نقاط مختلف کشور این فیلم را ببینند و در نهایت می‌خواهم این فیلم را به کارگران سرزمینم به ویژه کارگران نیشکر هفت تپه تقدیم کنم که با سختی زندگی می‌گذرانند و امیدوارم که آثار بیشتری در رابطه با مسائل و زندگی کارگران ساخته شود.

از چگونگی شکل‌گیری فیلمنامه و روند ساخت فیلم بگویید.

در بحبوحه اعتراضات کارگری هفت تپه و مبحث خصولتی سازی این مسئله توجه مرا به خود جلب کرد و دوست داشتم بدانم واقعیت ماجرا چیست به همین علت با اینکه خودم ساکن تهران هستم به شوش رفتم و این اعتراضات را از نزدیک زیر نظر داشتم. از آن جهت که در کشور ما تاکنون روی فضاهای کارگری آن گونه که باید کار نشده و فیلم‌سازها بیشتر نگاه سیاسی نسبت به این مسئله دارند رفته رفته به این نتیجه رسیدم چقدر خوب خواهد بود که از منظری دیگر به این مسئله یعنی مسئله دادگری بپردازم بنابراین پس از صحبت کردن با افراد مختلف و مشاهده روش و شیوه کار در منطقه نگارش فیلمنامه را آغاز کردم و از ابتدا نیز قصد داشتم فیلم را به صورت مستقل بسازم چون حدس می‌زدم که مجوز گرفتن برای آن به این آسانی نخواهد بود. برای دور شدن از این نگاه سیاسی که وجود داشت تصمیم گرفتم از نقطه نظر بچه‌های این کارگران به ماجرا نزدیک شوم. چون وقتی بخواهیم از نگاه کارگران به مسئله نزدیک شویم دغدغه‌ها بیشتر سیاسی خواهند شد اما نگاه من یک نگاه انسانی بود یعنی می‌خواستم فیلمی بسازم که چندین سال بعد نیز جواب بدهد و حرفش حرف روز باشد. خوشبختانه از باز خوردی که تاکنون گرفته‌ام نیز اینگونه بر می‌آید و طبق نظر مخاطب اگر چه فیلم متعلق به ۵ سال پیش است اما فیلمی که امروز روی پرده آمده برای مخاطب قدیمی نیست. این فیلم قصه دادگری بچه‌هایی است که پدرانشان دچار حوادث، رویدادها و اتفاقات مختلفی می‌شوند که در کارخانه‌ها جریان دارد اما در حقیقت به این کودکان مربوط نمی‌شود. پس از اینکه فیلمنامه کار نوشته شد به این نتیجه رسیدیم که می‌توانیم پروانه ساخت سینمایی بگیریم اما در مسیر تولید فیلم کسی کمک مان نکرد اگر چه قرار بود مرکز گسترش برای ساخت فیلم به ما پولی بدهد اما این اتفاق نیفتاد. بر همین اساس مجبور شدم که با سرمایه شخصی کار را آغاز کنم هر چند که بعداً طی دو سال این سرمایه را به من بازگرداندند. ما سال ۹۹ کار را آغاز و طی ۲۷ جلسه فیلمبرداری کردیم، در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی مجوز و پروانه نمایش فیلم را گرفتیم اما کسی زیر بار اکران فیلم نمی‌رفت و ترجیح می‌دادند فیلم را نادیده بگیرند اما در دولت آقای رئیسی رویکرد نسبت به این فیلم‌ها تغییر کرد هر چند که هنوز برایم جای سؤال است که چرا این فیلم باید چندین سال در حالتی مانند توقیف یا کما قرار بگیرد فیلمی که بدون هیچ حرف سیاسی در پی دادگری بود. خوشبختانه امروز به لطف آقای حمیدی مقدم و نگاه ویژه ایشان این فیلم پس از ۵ سال به اکران رسید در حالی که ۵ سال پیش کارگران با مشکلات شدیدی دست و پنجه نرم می‌کردند هر چند که امروز نیز همچنان برخی از آن مسائل وجود دارد. به جرات می‌توانم بگویم که این اثر تنها فیلمی است که پروانه ساخت سینمایی دارد و با بودجه‌ای بسیار کمتر از فیلم‌های دیگر ساخته شده فیلمی که از لحاظ فرم و فضا خیلی قوی است. ساخت این فیلم بدون کمک افراد منطقه و خانواده‌های کارگران ممکن نبود همه این افراد وقتی فهمیدند دغدغه فیلم کارگر است با تمام توان پای کار ماندند.

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «باد در کشتزارهای نیشکر»

گذری تلخ از کودکی

مریم عظیمی گفت‌وگو

فیلم سینمایی «باد در کشتزارهای نیشکر» به کارگردانی ابراهیم اشرف پور و تهیه‌کنندگی سعید شاهسواری از محصولات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. در این فیلم بازیگرانی همچون ایلیا حبیبی راد، محمد صادقی حسونند، کاظم عینعلی، مریم شانه تراش، اشکان گله ملکی ایفای نقش کرده‌اند. داستان این فیلم از نقطه نظر پسر کوچک یکی از کارگران دادخواه هفت تپه روایت می‌شود و نگاهی سینمایی به اتفاقات این منطقه دارد. فیلم بلند سینمایی «باد در کشتزارهای نیشکر» تاکنون جوایز مختلفی را از جشنواره‌های کشورهای چون یونان، روسیه، ایتالیا و آلمان به دست آورده است. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

